



## نظارت بر قدرت از دیدگاه قرآن

پدیدآورنده (ها) : دلاوری، رضا

علوم سیاسی :: نشریه علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع) :: پاییز ۱۳۸۱ - شماره ۱۹ (ISC)

صفحات : از ۱۰۳ تا ۱۱۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/101099>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۹/۰۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- نظارت و کنترل از نگاه مدیریتی امام علی (علیه السلام)
- نظارت بر قدرت و مکانیسم های آن در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)
- اهرم‌های نظارتی بر کارگزاران در حکومت علوی
- مبانی نظارت در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران
- مبانی و راهبردهای تحقق امنیت پایدار و کارآمدی نظام کارگزاران
- امنیت پایدار از دیدگاه مقام معظم رهبری
- امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از منظر نهج البلاغه
- جامعه شناسی تاریخی امنیت در ایران
- معرفی کتاب: گزیده ای از عصر اطلاعات الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات
- توسعه اقتصادی ایران و آسیب پذیری ها
- امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران الگویی برای تبیین و اجرای سیاست های کلان
- تماشاگران سینمای ایران و استقبال از فیلم های مردم پسند مطالعه مخاطبان فیلم اخراجی ها ۲

## عناوین مشابه

- «مکانیزم های نظارت خداوند بر رفتار انسان» و اثر آن بر «تنظیم رفتار اجتماعی» از دیدگاه قرآن کریم
- نظارت بر قدرت سیاسی از دیدگاه فقهاء شیعه
- تاثیر وضعیت بدن بر کمال نفس از دیدگاه قرآن
- چگونگی نفوذ شیطان در قوای ادراکی آدمی و اقسام کنش‌های آن از منظر قرآن با تأکید بر دیدگاه موسوی خمینی (ره)
- نظارت بر کارگزاران حکومت از دیدگاه علی علیه السلام
- تبیین روشمند و علمی بودن «بی‌تأثیری اختلاف قرائات بر تحریف قرآن» از دیدگاه استاد معرفت
- شعور موجودات در قرآن و روایات؛ علم و ادراک از دیدگاه اندیشمندان یا تطبیق بر آیات و روایات
- رهیافتی بر تبیین قناعت و نقش آن در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن کریم و روایت ها
- انواع قدرت نرم از دیدگاه قرآن کریم
- طراحی الگوی تربیت اخلاقی در آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم از دیدگاه تفسیر المیزان بر اساس روش داده بنیاد

# نظارت بر قدرت

## از دیدگاه قرآن

تاریخ دریافت: ۸۱ / ۸ / ۵

تاریخ تأیید: ۸۱ / ۹ / ۷

رضا دلاوری \*

این مقاله ضمن بررسی معانی لغوی و اصطلاحی نظارت، به ابزارها و راهکارهای کنترل قدرت در قرآن پرداخته است و امانت دانستن قدرت عمومی، نقد پذیری و پرهیز از استبداد رأی، مذمت تکبر و تأکید بر لزوم تواضع و فروتنی در مقابل مردم، مساوات در برابر قانون و شورا را به عنوان راه‌های جلوگیری از فساد قدرت در قرآن مورد بررسی قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، نظارت، قدرت، اندیشه سیاسی.

### مقدمه

واژه‌شناسی نظارت در فرهنگ لغت المنجد و مفردات چنین آمده است:

۱. الناظر: نگاه کننده، چشم؛
۲. النظاره: نظارت در امور و کارهای داخلی و خارجی؛
۳. رقیب: نگهبان و محافظ؛

\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم.

۴. زَقَبَ: او را بر حذر داشت، از او مراقبت کرد؛

۵. مراقبه: حراست کردن؛

۶. رعی: کنترل کردن.

«نظارت» در عربی به معنای زیرکی و فراست و در فارسی به معنای نظاره و نظر کردن و نگرستن آمده است.

در معجم المقایس اللغة «نظارت» این گونه تعریف شده است:<sup>۱</sup> «نظارت» از ماده «نظر» به معنای نظر افکندن و تأمل و دقت در امری است. نظر «به معنای تأمل در چیزی و معاینه کردن آن نیز معنا می‌شود».

در اقرب الموارد نیز آمده است: «النظاره کلمه‌ای است که عجم آن را به کار می‌برد و منظور از آن پاکیزه نمودن باغ و بستان است. بنابراین نظارت همان مراقبت و کنترل یک چیز از آفت و بیماری است».<sup>۲</sup>

از نظر اصطلاحی، نظارت فعالیتی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند و نتیجه این مقایسه تصویر روشنی از تشابه یا تمایز بین این دو گروه از عوامل خواهد بود که در اختیار مدیران سازمان قرار می‌گیرد. تعریف‌های گوناگونی از نظارت در علوم مختلف شده که در همه آنها یک نقطه اشتراک وجود دارد و آن این که نظارت عبارت است از «مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد».

در جامعه‌شناسی، مسأله نظارت با کنترل (Social Control) ارتباط بسیار تنگاتنگی دارد. مفهوم کنترل اجتماعی به مجموعه شیوه‌ها و تدابیر و وسایلی اطلاق می‌شود که یک جامعه یا یک گروه در را تحقق هدف‌ها و هدایت افرادش به رعایت قوانین، اصول، کارکردها، آداب، شعائر، مناسک و هنجارها و ارزش‌های پذیرفته خود به کار می‌گیرد. این کنترل به دو صورت امکان‌پذیر است: یکی از طریق «فشار اجتماعی» که به معنای وادار کردن انسان‌ها به قبول هنجارها و رعایت آنان در عمل است، ابزار این نوع کنترل، قوانین و مقررات و ضامن اجرای آن قدرت انتظامی است؛ دیگری، از طریق «اقناع» که با رسوخ به عقل اعتقادی انسان‌ها، با دگرگون سازی جهان‌بینی افراد و با تأثیر بر جهان عقیدتی و اندیشه اعضا می‌تواند آنان را مؤمن به هنجارها و ارزش‌های مقبول خود کند.<sup>۳</sup>

در علوم سیاسی و حقوق نیز راهکارهای مختلف برای مهار و کنترل قدرت پیش‌بینی شده است. قانون‌گرایی و عمل بر اساس قوانین، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، احزاب سیاسی، تفکیک قوا و ... از مهم‌ترین ابزارها و مکانیزم‌های کنترل قدرت به شمار می‌آیند. امروزه تقریباً تمام نظام‌های



حکومتی غیر استبدادی از نهادهای متعدد نظارتی برخوردارند. نظارت در یک جامعه متناسب با نظام اجتماعی- سیاسی آن، می‌تواند شکل و قالب متعددی را به خود بگیرد که معمولاً در قوانین اساسی و عادی کشورها پیش‌بینی شده است.

در قرآن کلمه «نظارت» و مشتقات آن ۱۳۹ بار تکرار شده که اهمیت موضوع را می‌رساند. در قرآن کریم آمده که انسان مختار آفریده شده است، ولی از راه‌های تحت نظارت در نظام آفرینش قرار می‌گیرد.

### عناصر نظارت

نظارت خداوند: اولین ناظر همانا پروردگار عالم است که نظارت مطلق بر کلیه اعمال و حرکات فرد و افراد دارد.

«وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا»<sup>۴</sup> در راه ابلاغ حکم پروردگارت صبر و استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرار داری».

«يَوْمَ نَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَمِمَّنْ بَعَثْنَاهُمْ لِمَا وَعَدْنَا اللَّهُ وَنَسُوا اللَّهَ وَآلِهَهُمْ لِيُكْفَرُوا»<sup>۵</sup> در آن روز که خداوند همه آنها را بر می‌انگیزد و از اعمالی که انجام دادند با خبر می‌سازد، اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته و آنها فراموشش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است».

«يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»<sup>۶</sup> او چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند».

نظارت فرشتگان: خداوند برای انسان مأمورانی قرار داده که تمام اعمال و کردار انسان‌ها را دقیقاً ثبت کنند:

«مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»<sup>۷</sup> انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر این‌که همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام مأموریت و ضبط آن است».

«وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ - كِرَامًا كَاتِبِينَ - يَكْتُبُونَ مَا تَفْعَلُونَ»<sup>۸</sup> و بی‌شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده و الا مقام و نویسنده اعمال نیک و بد شماست، و می‌دانند شما چه می‌کنید».

نظارت اعضا و جوارح: «يَوْمَ نَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتَهُمْ وَأَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلَهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۹</sup> در آن روز، زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان بر ضد آنها به اعمالی که مرتکب می‌شدند گواهی می‌دهد».

«شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛<sup>۱۰</sup> گوش‌ها و چشم‌ها و پوست تنشان به آنچه می‌کردند گواهی می‌دهند.

نظارت مکان و طبیعت: در روز قیامت، مکانی که عمل در آن واقع شده، شهادت می‌دهد: «يَوْمَئِذٍ تُخَدِّثُ أَخْبَارَهَا»؛<sup>۱۱</sup> در آن روز زمین تمام خیرهایش را بازگو می‌کند. «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُزْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنْتَبَهُمْ بِمَا عَمِلُوا»؛<sup>۱۲</sup> آگاه باشید برای خداست آنچه در آسمان و زمین است. او می‌داند آنچه را که شما بر آن هستید و روزی که به سوی او باز می‌گردید در آن روز آنها را از اعمالی که انجام دادند آگاه سازند.

نظارت پیامبران: تمام انبیا و اوصیا به نحوی ناظر بوده‌اند. قرآن کریم در مورد گواهی پیامبران در روز قیامت می‌فرماید:

«فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»؛<sup>۱۳</sup> حال آنها چگونه است آن روزی که از هر امتی شاهد و گواهی بر اعمالشان می‌آوریم و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد.

نظارت امام: مرجع دیگری که مسؤولیت نظارت و کنترل را بر عهده دارد، امام معصوم است: «همان گونه شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید. و پیامبرم بر شما گواه باشد».<sup>۱۴</sup>

«وَقُلْ اعْمَلُوا فَتَسْبِرَ اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛<sup>۱۵</sup> بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند.

نظارت انسان بر نفس خویشی (نفس لوامه): یکی از شاهدان روز قیامت، وجدان زنده و عقل و چشم بیدار شده انسان است، در قرآن آیات بسیاری آمده که بارها انسان با کمال صراحت به گناه و انحراف خود اقرار می‌کند:

«إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ»؛<sup>۱۶</sup> به این آیت بزرگ الهی سوگند که هر کس مراقب و محافظی دارد. در عرصه وجود انسان نفس لوامه به عنوان یک مکانیزم کنترل درونی و ناظر و محافظ عمل می‌کند.



امر به معروف و نهی از منکر (نظارت عمومی): مرجع دیگری که مسؤولیت نظارت و کنترل جامعه را به عهده دارد مردم (ناس) هستند. این نظارت را نظارت عامه یا همگانی می‌دانند که در قرآن با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» مورد تأکید قرار گرفته است. فریضه امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین وسیله‌ای است که سایر فریض الهی را در فرد و جامعه، جامه عمل می‌پوشاند. از آن جا که قدرت زمینه را برای فساد و تباهی فراهم می‌آورد و به قول سرداکتون «قدرت موجب فساد می‌شود و قدرت مطلق موجب فساد مطلق»، از این رو در اسلام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر افراد مسلمان واجب گردیده و در آیات و روایات بر لزوم آن، بسیار ترغیب و تحریض شده است. قلمرو این واجب الهی منحصر به گناهان فردی و شخصی افراد نیست و عموم و اطلاق آن همه گونه مفسده و خیر اجتماعی و فردی را شامل می‌شود؛ از این رو انجام این فریضه به ویژه در مسائل اجتماعی و سیاسی منجر به سالم‌سازی اجتماع در ابعاد مختلف می‌گردد.

آیات قرآن درباره امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

#### ۱. تشویق و ترغیب مردم به انجام این فریضه:

«يا بَنِي آدِمِ الصَّلَاةَ وَ أَمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اضْبِعْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»<sup>۱۷</sup> پسر من نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر رنج و مصیبتی که به تو می‌رسد با استقامت و شکیبایی باش که این از کارهای مهم و اساسی است.

این آیه بازگو کننده اندرزهای لقمان به پسرش است. از این آیه استفاده می‌شود که اسلام مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر تشویق و ترغیب می‌کند.

«وَالصَّبْرُ - إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ - إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»<sup>۱۸</sup> سوگند به عصر که انسان در ضرر و زیان است، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق و راستی توصیه کردند و همدیگر را به صبر و استقامت سفارش نمودند.

علامه طبرسی در مجمع البیان می‌گوید: «وَجُوبُ تَوْصِيَةِ هَمْدِيْغَرِ بِهٖ حَقٌّ، اِشَارَةٌ بِهٖ اَمْرٌ بِهٖ مَعْرُوفٌ وَ نَهْيٌ اِزْ مَنْكَرٍ اِسْت»<sup>۱۹</sup>.

جمله «تواصوا بالحق» معنای بسیار وسیعی دارد که هم امر به معروف و نهی از منکر را شامل می‌شود و هم تعلیم و ارشاد جاهل و تنبیه غافل و تشویق و تبلیغ ایمان و عمل صالح را.



۲. بیان نتایج و سرنوشت افراد بی تفاوت: خداوند در سوره اعراف داستان «اصحاب سبت» را نقل می‌کند که قوانین شرعی را رعایت نکردند و حاکی از سرنوشت شوم کسانی است که قبل از اسلام امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمودند.

«وَسئَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْتَدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ»؛<sup>۳۰</sup> ای پیامبر، از آنها (یهود) درباره سرگذشت شهری که در کنار دریا بود بپرس و به خاطر بیاور هنگامی که در روز شنبه آنها (جمعی از بنی اسرائیل) در برابر قانون خدا تجاوز می‌کردند همان هنگام که ماهیانشان روز شنبه که روز تعطیل و استراحتشان بود آشکار می‌شدند، اما در غیر روز شنبه به سراغ آنها نمی‌آمدند.

این آیه از عاقبت بد ترک نهی از منکر و نپذیرفتن آن سخن می‌گوید. از عکرمه نقل شده که بر ابن عباس وارد شدیم دیدم قرآن در دست دارد و گریه می‌کند و این آیات را می‌خواند. «وی علت گریه‌اش را چنین گفت: می‌دانم که خداوند آنان را که در روز شنبه صید ماهی می‌کردند نجات داد ولی نمی‌دانم در مورد سکوت کنندگان که نهی از منکر نمی‌کردند و صید ماهی در روز شنبه نیز نمی‌نمودند چه کرد که حال ما اکنون همین است».<sup>۳۱</sup>

همچنین خداوند در سوره مائده از تارکان نهی از منکر اعلام بیزاری می‌کند و می‌فرماید:

«لَمَنْ الَذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛<sup>۳۲</sup> آنها که از بنی اسرائیل کافر شدند بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن و نفرین شدند. این به خاطر آن بود که گناه می‌کردند و تجاوز می‌نمودند. آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند، چه بد کاری انجام می‌دادند.<sup>۳۳</sup>

۳. مبارزه با فساد:

«فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَتَهُونَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ»؛<sup>۲۴</sup> چرا در قرون و اقوام قبل از شما دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند مگر اندکی از آنها که نجاتشان دادیم و آنها که ستم می‌کردند از تنعم و تلذذ پیروی می‌کردند و گناهکار بودند و نابود شدند.

در این آیه، یک اصل اجتماعی که ضامن نجات جوامع از تباهی است مطرح شده و آن این است که در هر جامعه‌ای تا زمانی که گروهی از اندیشمندان متعهد و مسئول هستند که در برابر مفاسد ساکت



نمی‌نشینند و به مبارزه برمی‌خیزند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند این جامعه به تباهی و نابودی کشیده نمی‌شود؛ اما زمانی که بی‌تفاوتی و سکوت حکمفرما شد و جامعه در برابر عوامل فساد بی‌دفاع ماند، فساد و به دنبال آن نابودی حتمی است.<sup>۲۵</sup>

در آیات فوق مشاهده می‌گردد که امر به معروف و نهی از منکر اهرم بسیار قدرتمندی است که زمینه ساز رشد فضایل و طرد مفاسد و نیز یکی از ابزارهای کنترل و مهار قدرت سیاسی در جامعه می‌باشد. در نظام اسلامی، مسؤلیت افراد از مسؤلیت دولت جدا نیست و به حکم عقل این حق و تکلیف برای همه افراد ایجاد می‌شود که بر کار زمام‌داران خود نظارت کنند تا از انحراف آنان از مسیر حق و عدالت و تقوا جلوگیری کنند. هرچند که در نظام اسلامی عدالت و تقوا شرط رهبری و التزام عملی به موازین اسلامی لازمه زمام‌داری است، اما تذکرات مردمی و نظارت عمومی می‌تواند از بروز مشکلات ناشی از اشتباهات جلوگیری کند و نقش مکمل را ایفا کند.

### راه‌های جلوگیری از فساد قدرت

**امانت دانستن قدرت عمومی:** اسلام قدرت عمومی را امانت در دست صاحب قدرت می‌داند. در تفسیر علی بن ابراهیم که از مشهورترین تفاسیر شیعی است آمده است:

الأمانة هي الإمامة والأمر والنهي والدليل على أن الأمانة هي الإمامة قول الله عز وجل للأئمة - صلوات الله عليهم - إن الله يأمركم أن تودوا الأمانات إلى أهلها يعني الإمامة...؛<sup>۲۶</sup>  
امانت همان امامت و امر و نهی کردن است و دلیل بر این مطلب کلام خدای تعالی است که به ائمه علیهم‌السلام می‌فرماید: خداوند به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به اهله‌سپارید یعنی امامت را.

امام علی علیه‌السلام نیز در نامه‌ای به یکی از فرمانداران خود می‌نویسد: «فإني كنت اشركتك في أمانتي؛ من تو را در امانتم (یعنی حکومت و زمامداری خود) شریک قرار دادم».<sup>۲۷</sup>

نقد‌پذیری و پرهیز از استبداد رأی؛ از نظر اسلام، استبداد رأی باعث به خطر افتادن و لغزش است. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «خاطر بنفسه من استغنى برأيه»<sup>۲۸</sup> آن کس که به رأی خود قناعت کند خویشتن را به خطر افکنده است».

امام صادق نیز فرمود: «المستبد برأيه موقوف على مراض الزلل»<sup>۲۹</sup> کسی که به رأی خود استبداد بورزد بر لغزشگاه‌های خطا و گناه ایستاده است».

مذمت تکبر و تأکید بر لزوم تواضع و فروتنی در مقابل مردم؛ کبر حالتی نفسانی است که به موجب آن، فردی خود را بزرگ‌تر از دیگران می‌داند. یکی از عوامل بروز چنین حالتی در انسان، برخورداری از قدرت زیاد است. در قرآن کریم این صفت مخصوص خداوند دانسته شده بود، چرا که او برتر از هر چیزی بوده و تمامی مخلوقات بدو نیازمندند: «وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛<sup>۳۰</sup> و برای اوست کبریا و عظمت در آسمان‌ها و زمین و اوست عزیز و حکیم.

از این رو، هر کس که خود را بی‌نیاز و سزاوار تعظیم ببیند، در واقع خود را شریک خداوند در صفت خاص او قرار داده است. امام صادق (ع) از کبر به عنوان کمترین درجه الحاد یاد کرده است.



**مساوات در برابر قانون:** قرآن کریم به صراحت تساوی انسان‌ها در مقابل قانون الهی را متذکر می‌شود و تنها عامل امتیاز افراد را تقوا معرفی می‌کند:

«بَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛<sup>۳۱</sup> ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید اینها ملاک امتیاز نیست گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.

**شورا مانع خودمحوری و تمرکز قدرت:** در اسلام تأکید زیادی بر شورا و مشورت شده است تا از خودمحوری صاحبان قدرت باز دارد و اندیشه‌ها و تصمیمات در قالب آن پخته‌تر گردد. پیامبر گرمی اسلامی به دلایل زیر مشورت می‌کردند: ۱. مشاوره برای شخصیت دادن به امت؛ ۲. مشورت برای آزمایش؛ ۳. مشورت برای رشد فکری مردم؛ ۴. مشاوره برای استفاده از تائید مردم؛ ۵. برای آگاه شدن مشورت شوندگان؛ ۶. برای این که بدانند حکومت او استبدادی نیست؛ ۷. برای جلوگیری از انتقاد بی‌جا در صورت شکست؛ ۸. برای این که مردم بدانند نظر خواهی از دیگران عیب و عار نیست؛ ۹. برای تأسی امت به رسول خدا.

بنابراین یکی از نتایج مفید محوریت اصل شورا در نظام اسلامی، پرهیز از تمرکز قدرت و روی آوردن به محیط اجتماعی به منظور بهره‌جویی از استعدادهای خلاق مردمی در گشایش مشکلات خود آنان است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن (تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۷۳ق).
۲. ابی‌الحسین احمد بن فارس بن زکریا، المعجم المفایر اللغه (بیروت: دار الجید، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م) ج ۵، ص ۴۴۴.
۳. سعید الخوری الشرتونی، اقرب الموارد (تهران: دارالذسوه اطباعه و النشر، ۱۳۷۴) ج ۵، ص ۴۳۲.
۳. طور (۵۲) آیه ۴۸.
۵. مجادله (۵۸) آیه ۶.
۶. مومن (۴۰) آیه ۱۹.
۷. ق (۵۰) آیه ۱۸.
۸. انفطار (۸۲) آیه ۱۰-۱۲.
۹. نور (۲۴) آیه ۲۴.
۱۰. فصلت (۴۱) آیه ۲۰.
۱۱. زلزال (۹۹) آیه ۴.
۱۲. نور (۲۴) آیه ۶۴.
۱۳. نساء (۴) آیه ۴۱.
۱۴. بقره (۲) آیه ۱۴۳.
۱۵. توبه (۹) آیه ۱۰۵.
۱۶. طارق (۸۶) آیه ۴.
۱۷. لقمان (۳۱) آیه ۱۷.
۱۸. عصر (۱۰۳) آیه ۱.
۱۹. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۳۶.
۲۰. اعراف (۷) آیه ۱۶۳-۱۶۶.
۲۱. مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۹۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۲۲. مائده (۵) آیه ۷۸-۷۹.

۲۳. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: ناصر مکارم شیرازی (زیر نظر)، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۴ و تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۲؛

و حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱

۲۴. هود (۱۱) آیه ۱۱۶.

۲۵. تفسیر نمونه و المیزان و مجمع البیان در ذیل همین آیه.

۲۶. حویزی، پشین، ج ۴، ص ۳۰۹.

۲۷. نهج البلاغه، نامه ۴۱.

۲۸. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲۹. همان، ص ۴۹۳.

۳۰. جانیه (۴۵) آیه ۳۷.

۳۱. حجرات (۴۹) آیه ۱۳.

